

بررسی و تحلیل ترجمه پاره گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم:

مطالعه موردی آیه چهار سوره مبارکه نوح^۱

معصومه پویا^۲ و فرهاد دیوسالار^۳

چکیده

ترجمه قرآن کریم، از آن رو که کلام وحیانی و منشور حیات طیبه است، دارای حساسیت بالایی است. فهم صحیح آیات و انتقال درست آن به زبان مقصد نیازمند تسلط مترجم بر ابزارهای زبانی و نظریات معناشناسانه می‌باشد. این پژوهش با استفاده از نظریات «نظم عبدالقاهر»، «انسجام هالیدی و حسن» و «کنش گفتار آستین» تلاش دارد به تبیین ساختار «لو کنتم تعلمون» در آیه چهار سوره مبارکه نوح بپردازد و ترجمه‌های حداد عادل و فولادوند را با این دیدگاه با یکدیگر مقایسه می‌نماید. حاصل پژوهش گویای این است که ترجمه حرف «لو» در این آیه به صورت تمنا و آرزو تأثیرگذارتر است.

واژه‌های راهنما: انسجام هالیدی و حسن، ترجمه قرآن کریم، ساختار لو کنتم تعلمون،

کنش گفتار آستین، نظم عبدالقاهر

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۰/۰۶/۳۱ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۳ به تصویب رسید.

۲. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ پست الکترونیک: masumehpouya@gmail.com

۳. نویسنده مسئول: استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ پست الکترونیک: divsalarf@yahoo.com

۱. مقدمه

قرآن کریم از ویژگی‌های منحصر به فرد و شگفتی‌های حیرت‌آوری برخوردار است. در گزینش و چینش واژگان، هماهنگی و نظم حیرت‌آوری به کار رفته که اگر واژه‌ای دیگر جایگزین آن شود، نظام آن دستخوش خلل معنایی خواهد شد. یکی از نکات مهم در برگردان سبک‌شناسانهٔ آثار زبان مبدأ، به‌ویژه آثار ادبی، توجه به برجستگی^۱ و بسامد بالای عناصری است که یک اثر را از دیگر آثار متمایز می‌کند. مترجم چنین آثاری باید در برگردان اثر نهایت تلاش خود را خرج دهد تا آن ظرایف زبانی عمدتاً مربوط به بار معنایی واژگان و عبارات را در متن تولیدی خود بازتاب دهد. از این رهگذر خوانندهٔ متن قادر است شمه‌ای از سبک و سیاق اثر مبدأ را حس کند (راستی، ۱۴۰۰).

اهمیت ترجمهٔ قرآن کریم و انتقال کامل پیام الهی جهت بهره‌مندی حداکثری از مفاهیم انسان‌ساز آن بر کسی پوشیده نیست و برخلاف ادعای هرمانز^۲، قرآن کریم از نظر جهان اسلام ترجمه‌ناپذیر نبوده (طیبی، ۱۳۹۲) بلکه در این مسیر، مترجمان گوی سبقت را از یکدیگر ربوده‌اند و آنچه امروز محل بحث و پژوهش می‌باشد، کیفیت انجام کار است که پژوهش پیش رو جهت تحقق این امر، تسلط مترجم بر زبان مبدأ و مقصد با ابزارهای زبان‌شناسی را ضروری می‌داند. که یکی از رهیافت‌های این رویکردهای مبتنی بر زبان‌شناسی، توسعهٔ مفهوم تعادل و جایگزین نمودن آن به‌جای مناقشهٔ قدیمی و سنتی وفاداری در برابر آزادی مترجم می‌باشد (ملانظر، ۱۳۸۲).

1. Saliency

2. Hermans

کاربرد حرف «لو» در آیات کریمه و ترجمه آن از موارد پرچالش در ترجمه قرآن است. در بررسی این حرف، ساختار «لو کنتم تعلمون» در آیه ۴ سوره مبارکه نوح مورد موشکافی قرار گرفت. در این پژوهش پنجاه و پنج ترجمه قرآن مورد مطالعه قرار گرفته است. در میان این ترجمه‌ها دو رویکرد برای ترجمه حرف «لو» در این ساختار شناسایی شد. رویکرد اول آن را به معنای «اگر» و رویکرد دوم به معنای «کاش». در مقاله پیش رو ترجمه فولادوند به عنوان نمونه از رویکرد اول و ترجمه حداد عادل به عنوان نمونه از رویکرد دوم مورد بررسی قرار گرفته است. سپس با استفاده از نظریات نظم جرجانی و انسجام^۱ هالییدی و حسن^۲ و کنش‌گفتار^۳ جین آستین^۴ این دو رویکرد مورد تحلیل قرار می‌گیرند تا با توجه به کنش‌ها و نظم موجود در زبان مبدأ، برای سؤالات زیر پاسخی شایسته بیابد:

الف: دریافت نظم و ترتیب کلام، شناخت انسجام واژگان و درک کنش‌ها چه تأثیری بر

انعکاس آن در ترجمه و انتخاب معادل معنایی مناسب جهت انتقال پیام می‌گذارد؟

ب: فهم دقیق بافت متن مبدأ توسط مترجم به عنوان خالق متن مقصد تا چه اندازه در

انتخاب واژه و انتقال پیام نهفته در آن تأثیر دارد؟

در مسیر پاسخگویی به سؤالات پژوهش، فرضیه‌های ذیل مورد بررسی قرار خواهد

گفت:

الف: بررسی چنین ساختارهایی با ابزار بلاغیون متقدم و زبان‌شناسان متأخر می‌تواند به

-
1. Cohesion
 2. Halliday and Hasan
 3. Speech Acts Theory
 4. Austin

۴۹ بررسی و تحلیل ترجمهٔ پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم . . .

یافتن انسجام و نظم عمیق توأم با کنش میان این پاره‌گفتارها و جملات پیرامون منجر شود به طوری که آن‌ها را از یک عبارت شرطی بی‌ثمر به عبارت کنشی تأثیرگذار ارتقا دهد.

ب: مترجم با استفاده از کاربردشناسی و شناخت دقیق انسجام، نظم و کنش‌های موجود در پاره‌گفتار، می‌تواند با واژه‌گزینی مناسب، ترجمه‌ای متناسب با متن مبدأ ارائه دهد.

۲. پیشینهٔ تحقیق

نقد ترجمهٔ قرآن پیشینه‌ای دیرینه دارد اما در سال‌های اخیر به دلیل نگاه‌های نوین در ترجمه، پژوهش‌های ارزشمندی در این حوزه پدید آمده که برای اختصار تنها به چند نمونه اشاره می‌شود:

ساجدی (۱۳۸۱) در مقالهٔ خود به بررسی نظریهٔ کنش‌گفتار پرداخته و معتقد است که گزاره‌های دینی چند بعدی هستند و تمام گزاره‌ها، خواه اخباری خواه انشائی، دارای کنش‌های متفاوت هستند که به فهم کلام وحیانی کمک می‌کنند. طهماسبی، همایونی و صابری (۱۳۹۲) در پژوهش خود بر لزوم آشنایی مترجم با فرهنگ و تفکرات زبان مبدأ علاوه بر شناخت سطوح کامل زبانی مبدأ و مقصد برای ارائهٔ ترجمهٔ روان (ارتباطی) و دقیق (معنایی) تأکید نمودند تا بتواند به درک درستی از متن برسد و با توانش زبانی خود و دقت در تمام سطوح، با عبور از شبکهٔ درهم‌تنیدهٔ ترجمه، پیام را منتقل نماید.

در زمینهٔ مطابقت این نظریه‌ها با آیات قرآن کریم، ویسی و دریس (۱۳۹۵) با تلفیق نظریه‌های کنش‌گفتار سرل و انسجام متن‌هاییدی و حسن به اثبات جنبه‌های زبان‌شناختی متن پرداخته و میزان انطباق این تحلیل زبان‌شناسی را با آنچه در تفسیر *المیزان* با در نظر گرفتن سیاق مطرح شده بیان نمودند.

۵۰ مطالعات ترجمه، سال نوزدهم، شماره هفتاد و ششم، زمستان ۱۴۰۰

در مورد ارتباط نظریه نظم عبدالقاهر و نظریات نوین زبان‌شناسی، حسنی (۲۰۱۶) در مقاله خود، نظریه نظم را بنیان محکمی نامیده که زبان‌شناسی معاصر بر پیکره آن جان گرفته است.

در زمینه نقد ترجمه‌های قرآن می‌توان گفت که در دهه‌های اخیر مقالات متعددی پیرامون ترجمه‌های قرآن در مجلات مترجم، بینات، ترجمان وحی، پژوهش‌های قرآنی و مطالعات ترجمه منتشر شده است که ترجمه‌های قرآن به زبان‌های مختلف را به عیار نقد سفته و از جنبه‌های عام و خاص مورد بررسی قرار داده‌اند. اما آنچه پژوهش پیش رو را متمایز از پژوهش‌های پیشین می‌نماید، اتخاذ رویکردی با تلفیق سه نظریه (نظم، انسجام و کنش‌گفتار) در تحلیل ترجمه پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» است تا به ترجمه‌ای تأثیرگذار منتج شود.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و تطبیق ترجمه‌ها، با تکیه بر نظریه نظم عبدالقاهر به‌عنوان پشتوانه بلاغی، و نظریات نوین کارگفت و انسجام، به بررسی ترجمه ساختار «لو کنتم تعلمون» پرداخته است به این ترتیب که ابتدا در بخش تحلیلی، نظریه نظم جرجانی، انسجام‌هالیدی و حسن و کنش‌گفتار آستین را بررسی نموده، سپس این نظریه‌ها را با ترجمه آیه چهار سوره نوح تطبیق می‌دهد.

۳-۱. مبانی نظری

۳-۱-۱. نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی

عبدالقاهر جرجانی (۱۹۷۱ق.) با دو کتاب ارزشمند اسرار البلاغه و دلائل الإعجاز از پیشروان انقلاب زبان‌شناسی می‌باشد. از نظر جرجانی ارزش لفظ تنها به هنگام کاربرد آن در

بررسی و تحلیل ترجمهٔ پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم... ۵۱

سیاق‌های مختلف ظاهر می‌شود زیرا «الفاظ به‌تنهایی و خارج از کلام نسبت به یکدیگر برتری ندارند، بلکه برتری و عدم برتری الفاظ نسبت به یکدیگر در هماهنگی و تناسب معنای لفظ با معنای لفظ بعد از خود، حاصل می‌شود» (الجرجانی، د.تا، ص. ۳۸). عبدالقاهر برای اجزای کلام، پیش از آن‌که به ترکیب و تألیف کلام درآید، وزن و ارزشی قائل نبود (فتوحی، ۱۳۹۰، ص. ۷). او در *دلائل الإعجاز* این سخن را به روشنی بیان نموده است که «بلاغت در حُسن تألیف اجزای کلام است و در اجزای منفرد کلام نیست» (الجرجانی، ۱۳۶۸، ص. ۴۸). نظریهٔ نظم عبدالقاهر را در قصیدهٔ «هائیه» که مشتمل بر ۲۳ بیت است، می‌توان چنین جمع‌بندی نمود: (۱) لفظ تابع معنی است یعنی این‌که الفاظ با توجه به معانی به‌وجود آمده و در ذهن متکلم، شکل می‌گیرد؛ (۲) پایه و اساس کلام همان نحو است که الفاظ با توجه به اصول و مبادی آن شکل می‌گیرد؛ (۳) وجه تمایز و برتری آثار نسبت به یکدیگر با توجه به بافت کلام که همان نظم است، سنجیده می‌شود (فلاحتی و اشرف، ۱۳۹۲، ص. ۱۸). بنابراین، امتیاز و برتری گوینده، در توانایی و مهارت او در حُسن تشکیل و تألیف اجزای کلام است (فتوحی، ۱۳۹۰، ص. ۸).

۳-۱-۲. نظریهٔ کنش‌گفتار آستین و سرل

آستین (۱۹۱۱-۱۹۶۰) در کتاب *چگونه می‌توان با واژه‌ها کار انجام داد*^۱ (۱۹۶۲)، وجود گفته‌های کنشی را به اثبات رساند. «آستین برای اولین بار پیشنهاد می‌کند که به‌جای تأکید بر نقش موقعیتی زبان، بهتر است زبان را به‌عنوان ابزاری برای انجام کنش یا رفتار تعریف کنیم» (البرزی، ۱۳۸۶، ۲۶). این نظریه که «گفته‌ها، درواقع کار و کنش انجام می‌دهند»، کنش‌گفتار نامیده شد. آستین می‌گوید در هر کنش‌گفتار در آن واحد چندین کنش

وجود دارد. که عبارتند از: ۱) کنش بیانی^۱: کنش کاربرد واژگانی است که به گنجینه خاص لغات تعلق دارد، با دستور زبان خاصی مطابقت دارد و مفهوم و ارجاع مشخص دارند. ۲) کنش منظوری و غیربیانی^۲: هم‌زمان با کنش بیانی انجام می‌گیرد و به قصد و نیت گوینده از گفتن آن جمله اشاره دارد که به‌صراحت در جمله بیان نمی‌شود. ۳) کنش تأثیری یا کنش پس از بیان^۳: به تأثیراتی که گوینده با بیان پاره‌گفتار بر مخاطب می‌گذارد، (آستین، ۱۹۷۵، ص. ۹۲-۱۰۹). تکمیل‌کننده نظریه کنش‌گفتار آستین، شاگردش جان سرل است. او کنش‌های گفتار (کارگفت‌ها) را در پنج گروه طبقه‌بندی کرد: کارگفت اعلامی^۴ که نامگذاری واقعه یا اعلان یک رویداد با این کنش انجام می‌شود؛ کارگفت اظهاری^۵، در این نوع، گوینده وقایع و پدیده‌های جهان را توصیف می‌کند؛ کارگفت ترغیبی^۶ با استفاده از واژه‌ها مخاطب به انجام کاری یا بازداشتن از آن ترغیب می‌شود؛ کارگفت تعهدی^۷، دربردارنده تعهدی برای انجام عملی در آینده است؛ کارگفت عاطفی^۸، احساس گوینده از طریق واژه‌های عاطفی و احساسی با بار مثبت و یا منفی همچون تبریک گفتن و مانند آن بیان می‌گردد (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱ش، ص. ۱۷۷).

۳-۱-۳. نظریه انسجام هالیدی و حسن

از نظریه‌های معروف زبان‌شناسی در تحلیل متون، نظریه انسجام هالیدی و حسن

-
1. Locutionary
 2. Illocutionary
 3. Perlocutionary
 4. declarative act
 5. Representatives
 6. Directives
 7. Commissives
 8. Expresses

بررسی و تحلیل ترجمهٔ پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم . . . ۵۳
است. این نظریه مؤلفهٔ انسجام را مهم‌ترین مؤلفه شکل‌گیری متن می‌داند. آن‌ها در کتاب
انسجام در زبان انگلیسی^۱ انسجام را یک مفهوم معنایی می‌دانند که به روابط معنایی موجود در
متن اشاره دارد (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۴).

در تعریف زبان‌شناسی، منظور از انسجام شامل مجموعه روابطی می‌شود که در سه
سطح دستوری، واژگانی و آوایی، میان اجزاء یک متن برقرار می‌شود که مجموعهٔ این روابط
آفرینندهٔ متن را انسجام متنی می‌نامند (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۱۳).

عنصر انسجام متنی به سه دستهٔ اصلی تقسیم می‌شوند: عوامل دستوری؛ عوامل لغوی؛
ارتباط منطقی و انسجام دستوری به سه صورت نمود می‌یابد: ارجاع^۲؛ جانشینی^۳ و حذف^۴
(هالیدی و حسن، ص. ۳۲).

ارجاع—بدیهی‌ترین عنصر انسجام متن—به فرایند بازگشت یک واژه به مرجع خود
اصطلاحاً «ارجاع» گفته می‌شود. ارجاع باعث ایجاد رابطهٔ ناگسستگی می‌شود (هالیدی و حسن،
صص. ۳۰۳-۳۰۶).

جانشینی: قرار گرفتن یک عنصر زبانی به جای عنصر دیگر می‌باشد که هدف آن
برقراری ارتباط میان عناصر یک یا چند جمله در متن است. جانشینی علاوه بر انسجام متن، از
تکرار نابجا و غیرضروری در متن جلوگیری می‌کند (Salkie, ۱۹۹۵، ص. ۳).

-
1. cohesion in English
 2. Reference
 3. Substitution
 4. Ellipsis

۵۴ مطالعات ترجمه، سال نوزدهم، شماره هفتاد و ششم، زمستان ۱۴۰۰
حذف: در واقع جایگزینی با صفر است (هالیدی، ۱۹۹۰، ص. ۲۸۸).

انسجام لغوی که شامل تکرار^۱ و همبندی^۲ می‌باشد. برای تکرار روش‌های مختلفی انجام می‌شود که عبارتند از تکرار واژه، تکرار واژه‌ای مترادف، تکرار واژه‌ای که شامل واژه قبل شود، و تکرار واژه همگانی (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۳).

همبندی: نوع دوم انسجام لغوی عبارت است از همآیی یا ارتباط بین کلماتی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند (لطفی‌پور ساعدی، ص. ۱۱۴).

ارتباط منطقی بر چهار دسته است:

۱-ارتباط اضافی (افزایشی): وقتی که جمله‌ای بتواند مطلبی را بر محتوای جمله قبلی بیفزاید.

۲-ارتباط تقابلی (تباینی): محتوای یک جمله ناقص محتوای جمله قبل باشد. در این آیه تباین و تقابلی آشکار را شاهد هستیم.

۳-ارتباط زمانی: وقتی که میان رویدادها نوعی توالی زمانی در دو جمله باشد.

۴-ارتباط سببی: وقتی میان دو جمله یک رابطه علی وجود داشته باشد و شامل روابط، علت، نتیجه، هدف و شرط باشد (Halliday, ۱۹۷۶، ص. ۴۸۵).

۴. پیکره تحقیق

۴-۱. کاربرد حرف «لو» در زبان عربی

حرف «لو» دویست و چهل و سه بار به صورت «لَو»، «وَلَو» و «أَوَلَو» در قرآن کریم

به کار رفته است و در همه جا معنای یکسانی ندارد بلکه در مواردی به معنای شرط، در

1. Reiteration
2. Collocation

بررسی و تحلیل ترجمهٔ پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم . . . ۵۵

مواردی به معنای تمنی و یا معانی دیگر می‌آید. حسن عباس در مورد «لو» چنین آورده است:

«لو» نزد ابن هشام بر پنج وجه است: (۱) شرطیه برای ماضی؛ (۲) شرطیه برای مستقبل؛ (۳) مصدریه؛ (۴) تمنیه؛ (۵) عرضیه (عباس، ۲۰۰۰، ص. ۱۴۹). لو با وجود این که معنای شرط دارد اما در کاربرد با حروف شرط دیگر مثل «إن» متفاوت است زیرا مانند «إن» ماضی را به مستقبل تبدیل نمی‌کند (الرمانی النحوی، ۱۴۲۹، ص. ۱۱۴). ضمن این که حرف «لو» دارای لحن و آوای خواهش است و کنار هم قرار گرفتن «لام» و «واو»، کنشی مملو از بار عاطفی به همراه دارد لذا نمی‌تواند هم‌ردیف حرف «إن» قرار گیرد. برخی مثل حسن عباس معتقدند که اصل کاربرد لو و اصلی‌ترین معنای آن، برای تمنی است، تمنی معنی عرض و طلب را نیز در بر می‌گیرد و این دو معنی «تمنی و عرض» با ویژگی‌های ذاتی حروف لو «لام و واو» سازگارتر است (عباس، ۲۰۰۰، ص. ۱۲۳).

۲-۴. بررسی و تحلیل ساختار «لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» در آیهٔ ۴ سورهٔ نوح

(يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (نوح/۴)

حداد عادل: «تا (خدا) از گناهانتان درگذرد و شما را تا مدتی معین مهلت دهد، کاش می‌دانستید که مهلت خدا چون سر آید، به تأخیر نمی‌افتد».

فولادوند: [تا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشد و [اجل] شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد اگر بدانید، چون وقت مقرر خدا برسد، تأخیر بر نخواهد داشت».

۱-۲-۴. نظم عبدالقاهر در متن عربی و ترجمهٔ ساختار

توجه به آیات قبل مسیر این نظم را به خوبی نشان می‌دهد. فرستادن نوح به رسالت

برای هشدار دادن قبل از نزول عذاب (نوح/۱)، بیان هشداردهنده بودن نوح (نوح/۲)، بیان محتوای هشدار یعنی پرستش خدا و تقوا و اطاعت از رسول (نوح/۳) و سرانجام در آیه ۴ با قرار گرفتن واژه «یغفر» در صدر کلام و تأخیر واژه «ذنوب»، آمدن واژه «یؤخرکم» قبل از «أجل مسمی»، نوید بخشش الهی داده که با هشدار جمله تأکیدی «إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ» و پایان‌بندی آیه با «لو کنتم تعلمون» به اوج می‌رسد. آمدن حرف «لو» به جای «إِنَّ» تمنای تحقق امری محال دارد. ضمن این که شروع آیه با فعل مضارع «یغفر»، دلالت بر حال و آینده دارد و باتوجه به نظریه نظم عبدالقاهر که لفظ تابع معنای به‌وجود آمده در ذهن متکلم است، انتخاب واژه «یَغْفِرُ» و مضارع آمدن سبب امیدبخشی در چنین سیاقی با تکیه بر دستور شده و این چنین نظمی در انتخاب و چینش واژگان، قطعاً تنها با هدف انتقال یک خبر نبوده بلکه مترجم را به‌دقت در واژه‌گزینی توجه می‌دهد تا غفران در زمان حال و آینده از سوی متکلم در ترجمه هویدا شود. حداد عادل با آوردن مرجع ضمیر مستتر در «یغفر» و «یؤخر»؛ شمول بخشش بر تمام گناهان؛ استفاده از لفظ «مهلت» به جای لفظ «تأخیر»؛ آوردن واژه «کاش» در ترجمه حرف «لو» و اعطاء بار تمنی به این پاره‌گفتار؛ تکرار لفظ مهلت به جای ضمیر مستتر «هو» در فعل «جاء» که مرجع آن را «أجل» در نظر گرفته همگی نشان از نظم در اندیشه و کلام در جهت امیدبخشی به کلام وحی برای خواننده غیرعرب دارد که در ترجمه فولادوند چنین نظمی حاکم نشده است.

نظم متن عربی	یَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ	وَ يُؤَخِّرُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى	إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ	لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
	انتخاب واژه یغفر به شکل	مقدم شدن واژه تأخیر و مهلت	تأکید برای هشدار دادن به	امید به درک
	مضارع برای تداوم و قرار	دادن	قطعی بودن به‌سررسیدن مهلت	شرایط و آگاه

شدن			دادن ذنوب به عنوان مفعول با واسطه برای حفظ حرمت)	
کاش می‌دانستید (مقدم نمودن امید بر عبارت هشدار)	که مهلت خدا چون سر آید، به تأخیر نمی‌افتد» (ترجمه أجل خداوند به مهلت، که نشان از امید به غفران دارد)	و شما را تا مدتی معین مهلت دهد (نظم در تمام واژگان این جمله)	تا (خدا) از گناهانتان درگذرد. (ذکر واژه خدا در پراتنز، شمول بخشش)	نظم ترجمه حداد عادل
اگر بدانید (تنها یک شرط بی‌پاسخ و بی‌تأثیر)	چون وقت مقرر خدا برسد، تأخیر بر نخواهد داشت» (ترجمه به شکل آینده)	و [اجل] شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد. (آوردن لفظ أجل و انتخاب واژه تأخیر)	[تا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشاید. (ذکر برخی و عدم شمول، عدم ذکر فاعل بخشنده)	نظم ترجمه فولادوند

۴-۲-۲. کنش گفتار آستین در متن عربی و ترجمه ساختار

کنش بیانی در متن عربی در واژه ابتدای آیه با استفاده از فعل «یغفر»، در ترجمه حداد عادل نمود بهتری یافته است به خصوص وقتی به فاعل این فعل امیدبخش، اشاره صریح می‌نماید که چنین کنش بیانی به دنبال خود هدف و منظوری را به خواننده منتقل می‌نماید و این منظور در واژه «مهلت» نمود خارجی یافته و با آوردن لفظ «کاش» هدف متکلم را که هدایت بشریت است به صورت بسیار جذابی منتقل نموده که می‌توان چنین ترجمه‌ای را در بردارنده هدف غائی یک ترجمه درست دانست. زیرا در واقع «ترجمه عبارتست از برگرداندن مفاهیم، چه به صورت نوشته، و چه گفته، از یک زبان که زبان مبدأ نامیده می‌شود به زبانی دیگر که زبان مقصد خواننده می‌شود و به طوری که متن ترجمه شده همان تأثیری را که در زبان مبدأ دارد در زبان مقصد نیز داشته باشد» (باطنی، ۱۳۷۱، ص. ۶۳).

کارگفت ترغیبی در دو فعل «یغفر» و «یؤخر» که در ترجمه به شکل «بخشش عام» و

«مهلت» ترجمه شده است، به خوبی توانسته تأثیر این کارگفت را در زبان فارسی هویدا نماید.

بار عاطفی در ترجمه پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» و تقدیم آن، دقت مترجم در انتقال

مفهوم اصلی آیه را حکایت می‌نماید و به کارگیری کارگفت اظهاری در مورد عقیده خود در

پایان آیه، حجت را بر خواننده تمام می‌نماید. بنابراین، در ترجمه این آیه کنش‌های گفتار سعی

در تأثیرگذاری بر مخاطب را دارد.

ترجمه فولادوند	ترجمه حداد عادل	آیه ۴ سوره نوح	
بخشش برخی از گناهان، تأخیر در أجل تا زمان مقدر، عدم تأخیر در زمان مقدر. (۳ کنش بیانی)	ذکر خدا به‌عنوان عامل غفران، غفران تمام گناهان، مهلت دادن تا وقت معین، بیان آرزوی دانستن این حقیقت، عدم تأخیر در زمان مقدر (۵ کنش بیانی)	غفران ذنوب، تأخیر در مرگ تا زمان مقدر، عدم تأخیر در زمان مقدر، آرزوی دانش (۴ کنش بیانی)	کنش بیانی
امید کم و بیان قطعی تحقق عذاب با تأخیر (محدود نمودن غفران و عدم امید به توبه)	امیدبخشی و آرزوی تغییر روش قوم (تقویت روحیه امید به بخشش گناهان، امید به ایجاد تحول قبل از دیر شدن)	غفران و مهلت در مفهوم دو فعل جمله (تقدم غفران الهی و امید به توبه)	منظوری (غیربیانی)
ترجمه به «اگر» بدون کنش تأثیری	دمیدن روح امید و آرزوی توبه در ترجمه به «کاش» با کنش تأثیری	آوردن «لو» به جای «ان»	تأثیری (پس‌بیانی)
-	«درگذرد»، «مهلت دهد»،	«یغفر»، «یؤخر»، «أجل مسمی»	اظهاری
«تأخیر بر نخواهد داشت»	«به تأخیر نمی‌افتد»	«إذا جاء لا یؤخر»	اعلامی
«اگر بدانید»	-	-	تعهدی

-	بخشش گناهان به شکل عام و مهلت دادن	فعل یغفر و مقدم شدن آن در جمله	ترغیبی
-	«کاش»	آوردن حرف «لو»	کارگفت عاطفی

۴-۲-۳. انسجام در متن عربی و ترجمه ساختار

«انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به‌عنوان یک متن از غیر متن متمایز می‌سازد» (سارلی، ۱۳۹۰، ص. ۵۵). یکی از ابزارهای انسجام از نظر هالیدی و حسن، عناصر ربط می‌باشد. یزدانی و نجفی (۱۳۸۷) در پژوهش خود پیرامون ابزار انسجام، ترجمه عنصر ربط را بسیار تعیین‌کننده برشمردند و با توجه نظریه انسجام، دو راهکار برای شفاف‌سازی عناصر ربط ارائه می‌دهند که عبارتند از: شفاف‌سازی به کمک افزودن عنصر ربط؛ و علائم نگارش به متن مقصد. در جدول زیر این دو عنصر در ترجمه حداد عادل سبب شفاف‌سازی ترجمه او شده است.

ترجمه فولادوند	ترجمه حداد عادل	آیه ۴ سوره نوح		
قرار دادن «تا» در گروه؛ ارجاع ضمائر «تان، شما» به کلمه «قوم»؛ آوردن «تا» به‌عنوان دلیل آوری. (۴ مورد)	واژه «خدا» و آشکار کردن مرجع؛ ضمائر «تان، شما» به کلمه «قوم»؛ وجود حرف ربط «که»؛ آوردن کلمه «کاش» و «چون». (۴ مورد)	بیان جواب طلب و مجزوم آوردن فعل؛ ضمیر مستتر هو در «یغفر و یؤخر» به «الله» در آیات قبل؛ ضمائر بارز «کم» به لفظ «قوم»؛ ارجاع ضمیر مستتر «هو» در «جاء ولا یؤخر» به فاعل و نایب فاعل لفظ «أجل» در همین آیه، ضمائر «تم» در کنتم، «و» در تعلمون. (۶ مورد)	ارجاع	انسجام دستوری
تنها جانشینی ضمیر «تان» و «شما» را به‌جای کلمه قوم	جانشینی ضمائر «تان» و «شما» به‌جای «قوم» برای	جانشینی ضمائر به‌جای اسم تنها برای تمرکز بر اصل موضوع که مدلول (معیء	جانشینی	

<p>برای ارتباط و انسجام سخن داریم. (۲ مورد)</p>	<p>ارتباط با آیات قبل و شمول خطاب به تمام جوامع بشری؛ جانشینی واژه «مهلت» به جای تأخیر که باعث ارتباط با رسالت پیامبر به عنوان «نذیر مبین» می‌شود. (۳ مورد)</p>	<p>الأجل و عدم التأخیر) را به جای دال (الله و قوم)، جانشینی فعل مجهول به جای فعل معلوم نشانگر وثوق کامل به وجود فاعل حقیقی در آیات قبل بعد از تقوا و اطاعت، ایمان به الله به درجه کمال می‌رسد. (۳ مورد)</p>		
<p>-</p>	<p>حذف عبارت «تا توبه کنید» حذف جواب «کاش» که دلالت بر یقین متکلم بر فهم مخاطب از آیات قبل می‌باشد. (۲ مورد)</p>	<p>مفعول دوم یؤخر یعنی کلمه «عذاب» حذف شده که باز از امید به تحقق «تقوا» و «اطاعت» نشئت می‌گیرد. (۱ مورد)</p>	<p>حذف</p>	
<p>تکرار واژه «وقتی معین» و «وقت مقرر». (۲ مورد)</p>	<p>تکرار واژه «مهلت» که نشانگر درک مترجم از فضا و بافت موقعیتی متن و رسالت غائی انبیاء دارد. (۱ مورد)</p>	<p>تکرار ضمیر «کم»، تکرار واژه «أجل» یعنی ایجاد یقین بر وجود زمان وعده داده شده، تکرار حروف «أخ-ر» در واژگان «یؤخر کم» و «لایؤخر». (۳ مورد)</p>	<p>تکرار</p>	<p>انسجام لغوی</p>
<p>-</p>	<p>درگذشتن از تمام گناهان، گزینش هوشمندانه واژه مهلت. (۲ مورد)</p>	<p>واژه «یغفر» در کنار «یؤخر» که بار معنایی یکسانی دارند؛ واژگان «أعبدوا، اتقوا، اطیعون» در آیه قبل و به دنبال آن آوردن واژگان «یغفر، یؤخر» (۶ مورد)</p>	<p>همایشی</p>	
<p>-</p>	<p>تمنی ترجمه نمودن «لو» و افزایش امید (۱ مورد)</p>	<p>شروع سوره با اعلام رسالت نوح، درخواست هدایت با آوردن إذا و لو. حالت شرط، سپس امید بر امر ممتنع. (۲ مورد)</p>	<p>اضافی</p>	<p>ارتباط منطقی</p>
<p>-</p>	<p>این تباین به حرکت صعودی از عذاب به مغفرت الهی</p>	<p>در آیه ۱ سوره نوح شاهد وعید «اتیان عذاب الیم» هستیم. سپس وعده غفران و</p>	<p>تباینی</p>	

بررسی و تحلیل ترجمه پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم ... ۶۱

	ارتقاء یافت. (۱ مورد)	مهلت می‌دهد که این تباین باعث افزایش امید است. (۱ مورد)	
بخشش برخی گناهان در زمان حال و موکول کردن زمان آن به وقت معین و تهدید به عدم تأخیر در آینده. (۳ مورد)	درگذشتن از گناه و مهلت دادن در زمان حال و سپس با ترجمه ماضی استمراری زمان حال را به گذشته پیوند داده و ذکر عدم تأخیر در زمان حال که همه این زمان‌ها استمرار دارد. (۵ مورد)	در آیه اول سوره، ذکر کلمه «قبل» ترتیب زمانی دعوت انبیاء، پس از طی کردن مسیر دعوت، اشاره به «اجل مسمی» و سرانجام با «کنتم تعلمون» گذشته‌ای ساری و جاری (ماضی استمراری) را بیان می‌نماید. (۳ مورد)	زمانی
آوردن «تا» داخل کروهه تنها برای وضوح و اشاره تلویحی سببی. (۱ مورد)	بیان لفظ «تا» در ترجمه خارج از پراتز، آوردن عبارت (کاش می‌دانستید که ...) علت و معلولی (۲ مورد)	ارسال انبیاء سبب انذار قوم و پیشگیری از آمدن عذاب و بندگی خداوند و تقوای الهی و پیروی از دستورات وحیانی سبب غفرانی است که در آیه بعد وعده آن داده می‌شود. (۲ مورد)	سببی

نتیجه‌گیری

بررسی آیه چهارم سوره مبارکه نوح و مقایسه دو ترجمه به نمایندگی از دو رویکرد، با

استفاده از نظریه بلاغی قدیم و کاربردشناسی نوین نتایج زیر را در پی داشت:

۱. درک نظم حاکم بر آیات قبل و توجه به سیاق، به مترجم در گزینش الفاظ معادل و چینش درست آن‌ها و استفاده از کنش مناسب جهت تأثیرگذاری متن ترجمه کمک شایانی می‌کند. در آیه مورد نظر، حداد عادل با توجه به هشدارهای موجود در آیات قبل توانست این شدت محال بودن را در ترجمه «لو» به خوبی نشان دهد زیرا متن ترجمه از مؤلفه‌های ارزشمند متن مبدأ جهت تأثیر حداکثری برخوردار بود.

۲. از منظر نظریات زبان‌شناسانه و نظم موجود در بافت آیه، مشخص شد که انتخاب معادل واژه «لو» به معنای «کاش» در ترجمه حداد عادل بهتر توانسته کنش‌گفتار متن را بیان نماید و تأثیر آن بر خواننده متن مقصد چیزی فراتر از ترجمه آن در معنای حرف «إن» به معنای «اگر» می‌باشد. یعنی انتقال پیام با تمام کنش‌های موجود در آن در این ترجمه به صورت کامل انجام شده است.
۳. به نظر می‌رسد که حداد عادل، بافت پیرامونی و موقعیتی گفتار را که حکایت از اهداف رسالت دارد درک نموده و با تسلط کافی بر واژگان زبان مقصد به خوبی توانسته گزینش مناسبی برای معادل «لو» در این ساختار بیابد تا تأثیرگذاری متن فارسی به زیبایی متن عربی گردد و تفاوت کاربرد «لو» و «إن» به خوبی آشکار شود.
۴. انتخاب حرف «لو» که دارای لحن و آوای خواهش است با توجه به افعال ماقبل و فضای امیدوارانه حاکم بر آیه، ضمن توجه به خوف و رجای نهفته در «إذا جاء لا یؤخر» و ابهامی که در مجهول آوردن فعل «لا یؤخر» وجود دارد، فضای گفتگو را به سمت درخواست و تمنا سوق می‌دهد که این تمنا در ترجمه حرف «لو» به «کاش» هویدا می‌شود و حداد عادل به عنوان نماینده رویکرد دوم در این امر موفق عمل نموده است.

منابع:

القرآن الکریم

- باطنی، م. (۱۳۷۱). *پیرامون زبان و زبانشناسی*. چاپ اول. تهران: فرهنگ معاصر.
- البرزی، پ. (۱۳۸۶). *مبانی زبان‌شناسی متن*. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- الجرجانی، ع. (۱۳۶۸). *دلائل الاعجاز فی القرآن*، ترجمه سید محمد رادمنش. مشهد: آستان قدس رضوی.
- الجرجانی، ع. (د. تا). *اسرارالبلاغه فی علم البیان*. التصحیح و التنقیح: م. رشید رضا. بیروت: دار المعرفة
- حداد عادل، غ. (۱۳۹۰). *ترجمه قرآن کریم*، آستان قدس رضوی: پژوهش‌های اسلامی.

- بررسی و تحلیل ترجمهٔ پاره‌گفتار «لو کنتم تعلمون» در قرآن کریم ... ۶۳
- الرمانی النحوی، ع. (۱۴۲۹). *معانی الحروف*. بیروت: دار و مکتبة الهلال.
- راستی، ع. (۱۴۰۰). جستاری دربارهٔ حوزه‌های معنایی مصادیق سوء تعبیر در اصل و برگردان فارسی رمان «ناتور دشت» و راهبردهای برگردان آن‌ها. *مطالعات ترجمه*. ۱۹ (۵۷)، ۷-۲۳.
- زرقانی، م؛ الهام، ا. (۱۳۹۱). تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریهٔ کنش‌گفتار. دو فصلنامه علمی-پژوهشی *ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء*، ۳ (۶). بهار و تابستان، ۶۱-۸۰.
- طییبی، ا. (۱۳۹۲). ترجمه (نا)پذیری قرآن: میراث استعمار؟. *مطالعات ترجمه*. ۱۱ (۴۳)، ۱۰۰-۱۱۶.
- عباس، ح. (۲۰۰۰). *حروف المعانی بین الأصالة و الحدیثة*. دمشق: دیوان اتحاد کتاب العرب.
- فتوحی، م. (۱۳۹۰). *نامه نقد (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران)*، چاپ اول. تهران: نشر خانه کتاب.
- فلاحتی، ص؛ اشرف، ا. (۱۳۹۲). بازخوانی نظریهٔ نظم عبدالقاهر جرجانی. دو فصلنامه علمی-پژوهشی *صحیفه مبین*. ۵۲ (۱۹)، ۱۸-۳۰.
- فولادوند، م. (۱۳۷۳). *ترجمه قرآن مجید*، چاپ اول. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- لطفی پور ساعدی، ک. (۱۳۹۵). *درآمدی بر اصول و روش ترجمه*، چاپ هشتم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ملانظر، ح. (۱۳۸۲). *مطالعات ترجمه: فرهنگ و زبان و ادب*. *مطالعات ترجمه*، ۱ (۱)، ۷-۳۰.
- نجفی، آ. و اسدپور، ه. و یزدانی، م. (۱۳۸۷). انتقال ابزار انسجامی حروف ربط و شفاف‌سازی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم (مطالعه‌ای موردی از سورهٔ یوسف). *مطالعات ترجمه*، ۶ (۲۴)، ۷۴-۵۲.
- Austin, J. I. (1975). *How to do things with words*. Oxford, Clarendon Press.
- Searle, J. R. (1969). *Speech acts: An essay in the philosophy of language*. Cambridge. Cambridge University Press.
- Halliday M. A. K, & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Salkie, R. (1995). *Text and discourse analysis*, London: Routledge.

Study and Analysis of the Translation of the Passage "*Lau Kontom Ta'lamoun*" in the *Holy Qur'an*: Case Study of Verse Four, Surah Noah¹

Masumeh Pouya² & Farhad Divsalar³

Abstract

The translation of the *Holy Qur'an* is highly important because it is the word of revelation and the charter of good life. Correct understanding of the verses and its correct translation into the target language requires the translator's mastery of linguistic tools and semantic theories. This research tries to use Abdul Qahir's Order theory, Halliday and Hasan's Cohesion and Austin's Speech Acts to explain the structure of "*lau kontom ta'lamoun*" in Verse 4 of Surah Nooh and compares the translations of Haddad Adel and Fooladvand with this view. The result of the research shows that the translation of the letter "Lu" in this verse is more effective as a wish word.

Keywords: Abdul Qahir's order theory, Austin's speech acts, Halliday and Hasan's cohesion, Structure of *lau kontom ta'lamoun*, Translation of the *Holy Qur'an*

1. This paper was received on 22/08/2021 and approved on 04.12.2021.

2. Ph.D. Candidate in Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran; email: masumehpouya@gmail.com

3. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Arabic Language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. divsalarf@yahoo.com